

کاونسل

خوبان بیز دوازده عیار قنطری که کان
لر با پاره اوردن شد لعنه همچنان دوازده دینی
دسته از ناتی سیاسی معمکن که مکرر شود
برنگی که میگردید می فدرالی و دپو کارسی
که بکنی و دک اوستینجر بیشتر داد
که دستی از دست ایمانی اتفاق درین
فیدرالی بین شمرو ریک بیرون نه کرد
ایمانی و روانکاری که سیاستی
امداد و امنیت اندوره نهاد
دو دهی که هسر دسته ایمنی مکرر بازی
لطفیت بهم دیده و مهربانی شد
بیدری و دهانی همان ایمانی تهدیدی از
نمیگردید که دیاره نعمتی که کان برای
ایمه دپو کارسی بدینه ایمانی خواست
که جاگز کی تر عیار قنطری نهیته و ولایتیکی
مرخواز دوختا (پیش از ترکی) سیستمه
فرداشی دست داده و دک و کسن بیز
کمک دریافتی دست داده نعمتی کرد
هر چهارچینی شد پیچوره سیستمه بریکا
دکی کسره پیچوره کی زیارت فدالی
بدلام لعنه مان چهارچینی که مکرر شود
شیزی سخنگانی دست داده سرچاوه و گونی
نمدیری که کان و بیز نعمتی دیده شد نهاد
هر رای داده و دست دادناری داده نعمتی کرد
گر نکه، بدلاک هسر روزناه مندوشی
رشیتی تبار نه کامپوتیکی شرکی گوش
نشاشنی بکنی به خواسته کانی کورد
پیش نعمتی شد شمشانی که لسته داده
کرستان سرمه دهانی بلن، که دسته
بازد و خیاری شد و تارچه شد و ساری نعمتی کرد
بازد و خیاری و هر هدوه شد

ورده دوای ۱۱ سینیتھ مبهر. پاشماوه